

بازپژوهشی در ضرورت گسترش عیوب فسخ نکاح در عصر حاضر با تکیه بر کتاب من لایحضره الفقیه

شفیعه ایرجی زاده¹ محمدرضا حاج اسماعیلی² احمد مسائلی³

¹ دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران.

zohre.sh.zade@gmail.com

² استاد گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران، (نویسنده مسئول) mohamadrezahaji32@gmail.com

³ استاد یار گروه معارف اسلامی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خمینی شهر، خمینی شهر، اصفهان، ایران.

ahmad.masaeliii@gmail.com

نویسنده مسئول: mohamadrezahaji32@gmail.com

تاریخ دریافت: 1404/04/19 تاریخ پذیرش: 1404/06/25

چکیده

ازدواج بهترین راه برای رفع نیازهایی چون تعلق خاطر، شادکامی و تداوم نسل است. گرچه زوجین در طول زندگی مشترک، کم و بیش با مشکلاتی روبه رو می‌شوند اما به واسطه علاقه‌ای که به همدیگر دارند با یاری یکدیگر آن‌ها را برطرف می‌کنند ولی گاه یکی از طرفین پیش از ازدواج، عیبی دارد که طرف مقابل را در حالی به عسر و حرج می‌اندازد که راضی به تحمل آن نیست. معصومین (ع) برای برخی از عیوبی که در آن زمان شناخته شده بودند حق فسخ نکاح قائل شده‌اند. اما با گذر زمان، بیماری‌های دیگری شناخته شده‌اند که همان عوارض نامطلوب و یا شدیدتر را بر زندگی زناشویی می‌گذارند. لذا برخی از اندیشمندان دینی معتقد به لزوم افزوده شدن عیوب خطرناک، لاعلاج و صعب‌العلاج جدید به عیوب فسخ نکاح هستند. پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی در پی پاسخ به این پرسش است که «گسترش عیوب فسخ چه ضرورتی دارد؟» پس از واکاوی موضوع، چنین استنباط شد که افزودن موارد جدید بنا به دلایل متعدد می‌تواند منجر به بروز مشکلات شرعی شود؛ لذا برای برون رفت از مشکلات ناشی از این دسته عیوب جدید، چاره‌اندیشی دیگری شد.

کلیدواژه: فسخ نکاح، طلاق، روایت، من لایحضره الفقیه.

مقدمه

اسلام آیینی همگانی و جاودانه است بنابراین احکام آن باید متناسب با همه شرایط باشد؛ از جمله احکامی که مربوط به تشکیل خانواده است. وجود برخی عیوب در یکی از زوجین و عدم رضایت طرف مقابل نسبت به آن عیب، می‌تواند موجب ضرر و عسر و حرج طرف مقابل شود. در روایات معصومان (ع) این حق در نظر گرفته شده که بخاطر برخی عیوب، عقد نکاح فسخ شود. احکام فسخ عقد نکاح به طور مستقیم در قرآن مطرح نشده‌اند اما آیاتی وجود دارد که با استناد به آن‌ها می‌توان روایات را به عنوان حکم شرعی سنجید.

قانون مدنی ایران و فتاوی فقها متأثر از روایات فسخ هستند. اگرچه حفظ این روایات طی سالیان زیاد به عنوان میراث ارزشمند مذهبی، موجب مباحات و نشانه تلاش شیعه در حفظ سخنان پیشوایان خود است اما نباید از عامل گذشت زمان که موجب تغییر شرایط است، غافل بود. لذا افزون بر تطابق روایات با قرآن، باید شرایط جدید را نیز در نظر گرفت و امکان افزودن عیوب جدیدی را به عنوان موارد حق فسخ عقد نکاح و یا راه حل شرعی دیگری را مورد بررسی قرار داد. پژوهش‌های پیشین دو دیدگاه ارائه نموده‌اند. برخی موافق گسترش عیوب فسخ نکاح هستند در این پژوهش‌ها با اجتهاد در مورد سایر امراض مسری خطرناک، صعب‌العلاج، لاعلاج جدید و اشتراک در حق فسخ برای برص و جذام موافقت شده از جمله:

مقاله «جستاری در اقوال فقهای شیعه پیرامون عیوب فسخ نکاح» نوشته خلیل الله احمدوند، احمد میرزایی، فصلنامه بین المللی قانون یار، دوره پنجم، شماره ۱۷، سال ۱۴۰۰، صص ۵۵۷-۵۸۶

مقاله «بازپژوهشی در عیوب مجوز فسخ نکاح»، نوشته مسلم حسینی ادیانی، نشریه فقه و مبانی حقوق اسلامی، شماره اول، سال ۱۳۹۷، صص ۶۹-

مقاله «نقد حکم اختصاص «جذام» و «برص» به زوجه با تکیه بر نظر فیض کاشانی، سمیه صفایی و محسن رزمی و محمد رضا کاظمی گلوردی، نشریه فقه و حقوق اسلامی، شماره 19، 1397، صص 219-240

مقاله «ضرورت تحول در عیوب موجب فسخ نکاح به دلیل ملزومات حقوقی و داخلی خانواده و پدیده‌های جدید عصری» نوشته ابوالحسن مجتهد سلیمانی، غفور خوئینی، محمد جلالی نژاد، نشریه پژوهش‌های اخلاقی، سال هشتم، شماره 1، سال 1396، صص 229-324

مقاله «عیوب فسخ نکاح حصری یا تمثیل با تکیه بر مبانی اجتهادی استاد مطهری»، نوشته اسماعیل آبادی، نشریه فقه، دوره 11، شماره 39، 1388، صص 288-309

برخی از پژوهش‌ها مخالف هستند از جمله:

مقاله «تحلیل ماهیت انحلال نکاح به سبب عسر و حرج زوجه از منظر فقه امامیه و حقوق مدنی ایران» نوشته جواد حبیبی تبار، نشریه مطالعات فقهی حقوقی زن و خانواده، سال ششم، شماره 11، سال 1402، صص 8-30، نویسنده معتقد است چون فقها عیوب را حصری می‌دانند لذا طلاق قضایی موافق‌تر با احتیاط است.

مقاله «تأملی نو بر عیوب موجب فسخ نکاح» مهدی میرداداشی، نشریه حقوق اسلامی، شماره 24، سال 1389، صص 61-85، نویسنده قائل شدن فسخ برای عیوب غیر منصوص را قیاس دانسته و بهتر می‌داند از خیار تدلیس برای فسخ یاری جست.

تفاوت پژوهش پیش رو با مقالات دسته اول عبارتند از: مخالفت با گسترش موارد فسخ است و تفاوت با مقالات دسته دوم عبارتند از پرداختن به همه عیوب مطروحه در روایات و ذکر مشکلات شرعی، حقوق مالی، اجتماعی گسترش عیوب فسخ و در آخر ارائه پیشنهاداتی برای حل مشکل، بدون نیاز به فسخ نکاح ارائه شده است. پژوهش حاضر با تکیه بر روایات کتاب من لایحضره الفقیه، با روش توصیفی-تحلیلی است. ابزار گردآوری اطلاعات، کتاب و نرم افزار نور و سایت‌های معتبر اینترنتی است. تا این پرسش مورد بررسی قرار گیرد که: «گسترش عیوب فسخ عقد نکاح چه ضرورتی دارد؟» در این راستا ابتدا روایات مربوطه مطرح شده سپس به بررسی قرآنی و عقلی پرداخته شده و تشابه فتاوی فقها و قوانین با روایات نشان داده شده و در ادامه به موضوعات و دلایل رد گسترش عیوب فسخ نکاح و راه حل جایگزین ارائه گردیده است.

1- حق فسخ در روایات کتاب من لایحضره الفقیه:

مطابق این روایات عیوبی که در وجود زن، موجب برخورداری مرد از حق فسخ می‌شود عبارتند از: بیماری برص، جذام، جنون و کوری هر دو چشم و زمینگیری از هر دو پا و غده رحمی که مانع کامیابی شوهرش باشد. اگر مرد از این بیماری‌ها مطلع نبوده و پس از ازدواج و قبل از آمیزش از وجود آن‌ها مطلع شود، حق دارد عقد نکاح را فسخ نماید. ولی اگر با زن آمیزش کرده باشد، باید مهریه را به زن بپردازد. عیوب مرد نیز که حق فسخ را برای زن فراهم می‌کند عبارتند از: جنون، عنن، اختگی (و موارد مشابه که موجب ناتوانی جنسی مرد هستند).

الف: روایاتی که در کتاب من لایحضره الفقیه به این موضوع اشاره دارند را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد:

دسته اول: روایاتی که به عیوب زن اشاره کرده و مرد به واسطه آن‌ها می‌تواند عقد نکاح را فسخ کند:

▪ روایت اول: امام صادق(ع): «الْمَرْأَةُ تُرَدُّ مِنْ أَرْبَعَةِ أَشْيَاءَ مِنَ الْبَرَصِ وَالْجُذَامِ وَالْجُنُونِ وَالْقَرْنِ وَالْعَقْلِ مَا لَمْ يَفْعَ عَلَيْهَا فَإِذَا وَقَعَ عَلَيْهَا فَلَا» (صدوق، 1413 ق، ج 3/ ص 432)

▪ روایت دوم: در روایتی از امام صادق(ع): «رَوَى حَمَّادٌ عَنِ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) أَنَّهُ قَالَ: فِي الرَّجُلِ يَتَزَوَّجُ إِلَى قَوْمٍ فَإِذَا امْرَأَتُهُ عَوْرَاءُ وَ لَمْ يُبَيِّنُوا لَهُ قَالَ لَا تُرَدُّ إِنَّمَا يَرُدُّ النِّكَاحُ مِنَ الْبَرَصِ وَالْجُذَامِ وَالْجُنُونِ وَالْعَقْلِ. قُلْتُ: أَرَأَيْتَ إِنْ كَانَ قَدْ دَخَلَ بِهَا كَيْفَ يَصْنَعُ بِمَهْرِهَا؟ قَالَ: الْمَهْرُ لَهَا بِمَا اسْتَحَلَّ مِنْ فَرْجِهَا وَ يَغْرَمُ وَلِيِّهَا الَّذِي أَنْكَحَهَا مِثْلَ مَا سَأَى إِلَيْهَا» (همان، ص 433)

▪ روایت سوم: امام باقر(ع): «تُرَدُّ الْعَمِيَاءُ وَالْبُرَصَاءُ وَالْجَذَمَاءُ وَالْعَرَجَاءُ» (همان، ص 433)

دسته دوم: روایاتی که به عیوب مرد اشاره کرده و زن به واسطه آن‌ها می‌تواند عقد نکاح را فسخ کند:

- روایت چهارم: امام صادق(ع): «فِي الْعَيْنَيْنِ إِذَا عَلِمَ أَنَّهُ عَيْنَانِ لَا يَأْتِي النِّسَاءَ فُرْقَ بَيْنَهُمَا وَإِذَا وَقَعَ عَلَيْهَا وَقَعَهُ وَاحِدَةً لَمْ يُفَرِّقْ بَيْنَهُمَا وَالرَّجُلُ لَا يَرُدُّ مِنْ عَيْبٍ». (همان، ص 550)
- روایت پنجم: امام کاظم(ع): «سُئِلَ أَبُو إِبْرَاهِيمَ (ع) عَنِ الْمَرْأَةِ يَكُونُ لَهَا زَوْجٌ قَدْ أَصِيبَ فِي عَقْلِهِ بَعْدَ مَا تَزَوَّجَهَا أَوْ عَرَّضَ لَهُ جُنُونٌ فَقَالَ: لَهَا أَنْ تَنْزِعَ نَفْسَهَا مِنْهُ إِنْ شَاءَتْ». (همان، ص 522)

دسته سوم: روایاتی که بر اساس آن اگر چه مرد معیوب است ولی حق فسخ از زن ساقط می‌شود:

- روایت چهارم در این جا تکرار می‌شود زیرا در قسمت دوم آن، با وجود عیب در مرد، بدون توجه به رضایت یا عدم رضایت زن، خیار فسخ از زن ساقط شده است.
- روایت چهارم: امام صادق(ع): «فِي الْعَيْنَيْنِ إِذَا عَلِمَ أَنَّهُ عَيْنَانِ لَا يَأْتِي النِّسَاءَ فُرْقَ بَيْنَهُمَا وَإِذَا وَقَعَ عَلَيْهَا وَقَعَهُ وَاحِدَةً لَمْ يُفَرِّقْ بَيْنَهُمَا وَالرَّجُلُ لَا يَرُدُّ مِنْ عَيْبٍ». (همان، ص 550)
- روایت ششم: امام علی(ع): «مَنْ أَتَى امْرَأَةً مَرَّةً وَاحِدَةً ثُمَّ أَخَذَ عَنْهَا فَلَا خِيَارَ لَهَا» (همان، ص 551)
- روایت هفتم: امام صادق(ع): «سَأَلَهُ عَمَّارُ السَّابَاطِيُّ عَنْ رَجُلٍ أَخَذَ عَنْ امْرَأَتِهِ فَلَا يَقْدِرُ عَلَى إِثْبَانِهَا قَالَ إِنْ كَانَ لَا يَقْدِرُ عَلَى إِثْبَانِ غَيْرِهَا مِنَ النِّسَاءِ فَلَا يُمَسِّكُهَا إِلَّا أَنْ تَرْضَى بِذَلِكَ وَإِنْ كَانَ يَقْدِرُ عَلَى إِثْبَانِ غَيْرِهَا فَلَا بَأْسَ بِإِمْسَاكِهَا». (همان، ص 551)
- روایت هشتم: در خبری مضمیر آمده: «أَنَّهُ إِنْ بَلَغَ بِهِ الْجُنُونُ مَبْلَغًا لَا يَعْرِفُ أَوْقَاتَ الصَّلَاةِ فُرْقَ بَيْنَهُمَا فَإِنْ عَرَفَ أَوْقَاتَ الصَّلَاةِ فَلْتَصْبِرِ الْمَرْأَةُ مَعَهُ فَقَدْ بُلِيتْ». (همان، ص 522)

از روایات فوق چهار نتیجه استنباط می‌گردد:

- 1- اگر زن به بیماری برص، جذام، جنون، قَرَن یا قَلْع مبتلا باشد مرد می‌تواند با استفاده از حق فسخ، عقد نکاح را فسخ کند. اما اگر زن عیوب دیگری داشت مرد حق فسخ ندارد.
 - 2- اگر مرد عیب عنن، اختگی یا جنون داشته باشد زن می‌تواند نکاح را فسخ کند.
 - 3- عیوب مرد که بدون درنظر گرفتن رضایت زن، حق فسخ را از زن ساقط می‌کند، دو دسته است.
- الف: ناتوانی جنسی مردی که طلسم شده، مشروط بر این که قبل از ناتوانی، یک بار با همسرش آمیزش کرده باشد یا با همسران دیگرش قادر به آمیزش باشد.
- ب: جنون مرد مشروط بر این که قادر به تشخیص اوقات نماز است.
- 4- بیماری‌های برص و جذام در مرد موجب حق فسخ نکاح برای زن نیست و زن مکلف به تمکین از همسرش است.

گرچه فسخ، حقی دوجانبه برای مرد و زن است. اما این موارد بطور کامل برای دو طرف یکسان نیست و بیماری‌های خطرناک جسمی و روحی جدید نیز لحاظ نشده‌اند. از آنجا که عیوب مربوط به فسخ می‌توانند تأثیرات چشمگیری در شرایط زندگی طرف مقابل بگذارند؛ توجه به آن اهمیت بسیاری دارد و چنین می‌نماید که باید با دید وسیعتری به آن نگاه شود.

2- بررسی قرآنی روایات فسخ:

یکی از مهمترین راه‌های سنجش صحت روایات، عدم مخالفت آن‌ها با قرآن است؛ لذا بررسی قرآنی روایات، امری الزامی است. اگرچه موضوع فسخ عقد نکاح و عیوب مربوط به آن در نص قرآن، دیده نمی‌شود و قرآن در این باره ساکت است اما این سکوت به معنای مخالفت قرآن با این روایات نیست. آیات دیگری در قرآن مجید وجود دارد که با توجه به آن‌ها می‌توان روایات فسخ را از سه منظر، بررسی کرد:

2-1: همخوانی روایات با اهداف ازدواج از منظر قرآن:

آیاتی از جمله 21 روم و 11 شورا به اهدافی همچون دوستی و مودت و رحمت و ازدیاد نسل برای ازدواج اشاره نموده که عیوب مربوط به فسخ، مانع از تحقق آن اهداف در زندگی زناشویی می‌گردد؛ چرا که این عیوب، همزیستی طرفین را ناممکن و یا همراه با مشقت و سختی فراوان می‌کند. لذا روایات اول و دوم و سوم و پنجم، بطور کامل با قرآن موافق است. روایت چهارم و ششم نیز دو قسمت است؛ از قسمت اول این مفهوم برداشت می‌شود که عین بودن مرد و عدم توان او بر آمیزش به زن خیار فسخ می‌دهد. موافقت این روایات با قرآن از آن رو است که موجب دفع مصائبی از زندگی زناشویی می‌شوند و در جهت دستیابی به اهدافی است که در آیات برای زندگی مشترک به آن‌ها اشاره شده مفید است.

2-2: حصر عیوب در روایات و نقش آن در موافقت و مخالفت با قرآن:

موارد عیوب فسخ در روایات مذکور، چه برای زن و چه برای مرد، دارای حصراند؛ روایت اول و دوم و سوم، به مرد اجازه داده در صورتی که زن برص یا جذام داشته باشد عقد نکاح را فسخ کند. اما با وجود کراهت و خطری که برص و جذام برای زن ایجاد می‌کند چنین حقی برای زن در نظر گرفته نشده است.

در نگاه اول به نظر می‌رسد اگر این حصر، حقیقی باشد، با توجه به این که حصر حقیقی، اختصاص دادن چیزی به یک شیء و نفی حکم آن از جمیع ما سوی است. (قلی زاده، 1379 ش، ص 97؛ مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی، 1389 ش، ص 423) با آیات 21 روم و 11 شورا که اهداف ازدواج در آن‌ها ذکر شده‌اند و آیه 233 بقره که تأییدی بر قاعده لاضرر است و آیات 108 آل عمران و 40 نساء که مربوط به نفی ظلم است و آیات 6 مائده و 78 حج که به نفی عسر و حرج اشاره دارند، موافقت ندارد. ولی اگر حصر اضافی باشد یعنی اختصاص دادن چیزی به یک شیء و سلب آن از برخی اشیای دیگر به معنای اثبات حکم برای موضوعی و نفی آن حکم از برخی از ما سوا باشد. (قلی زاده، 1379 ش، ص 96؛ مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی، 1389 ش، ص 423) حصر موجود در این روایات، با این آیات موافقت دارد. لذا برخی معتقدند حصر اضافی است و مشکلی در برابری عیوب برص و جذام برای مرد و زن و اضافه شدن عیوب خطرناک دیگر که امروزه شناخته شده‌اند پیش نمی‌آید. اما دلیلی قطعی بر حصر اضافی بودن این عیوب دیده نمی‌شود. همچنین باید توجه داشت اگر تنها راه‌هایی از ضرر و عسر و حرج فسخ بود و راه طلاق نیز بسته بود این قسمت از روایات مربوطه با قرآن مخالفت داشت در صورتی که چنین نیست؛ پس لزومی به طرح نوع حصر به عنوان راه حل نمی‌باشد.

2-3: سلب خیار فسخ و مطابقت آن با قرآن:

روایات روایت ششم، هفتم، هشتم و نهم دوم روایت چهارم به سلب خیار فسخ توسط زن، با وجود عیب در مرد اشاره کرده‌اند. با استناد به این دلایل که مرد، توان یکبار آمیزش یا همسرش یا توان با زنان دیگرش رداشته یا طلسم شده از بین رفته است. در این روایات نه تنها به اهداف ازدواج بی‌توجهی شده بلکه به دلیل این که ازدواج امری یک سویه و در جهت منافع همسر معیوب است، برای طرف دیگر ظلم یا حرج محسوب می‌گردد. این در حالی است که خداوند در وجود زن نیز نیاز جنسی قرار داده. در تخمدان‌های زن هورمون استروژن که سبب میل جنسی است ترشح می‌شود. (کلود، 1390 ش، ص 79؛ ساندرز، 1386 ش، ص 251؛ اسلامی نسب بجنوردی، 1376 ش، ص 31) وجود این نیاز نمی‌تواند عبث و باطل بوده چون مطابق آیه 115 سوره مومنون و آیه 27 سوره ص، ساحت خداوند از کار عبث و باطل، منزه است. همچنین رابطه جنسی زوجین نمی‌تواند صرفاً بخاطر تداوم نسل باشد، زیرا در این صورت این نیاز در دوران بارداری، یائسگی یا زنان نازا وجود نداشت. لذا در ابتدا چنین استنباط می‌شود که این روایات نمی‌توانند صادر از معصوم و حکم شرعی باشند؛ زیرا با بی‌توجهی به یک طرف زمینه ظلم، ضرر و عسر و حرج را برای طرف مقابل فراهم نموده و با قرآن مخالف است در حالی که هم قرآن و هم روایات برای راه‌هایی از ظلم و عسر و حرج راه طلاق را نیز باز گذاشته‌اند. پس فسخ یکی از راه‌ها است و روایات مخالفتی با قرآن ندارد.

3: فتوای فقهای شیعه در ارتباط با حق فسخ:

انعکاس این روایات را در فتوای فقهای شیعه می‌توان مشاهده کرد، در این جا با توجه به چهار نتیجه‌ای که از روایات استنباط گردید نمونه‌هایی از فتوای مربوط به فسخ ارائه می‌گردد:

اول: اگر زن قبل از عقد نکاح به بیماری برص، جذام، جنون، قرن یا فعل مبتلا باشد مرد می‌تواند از حق فسخ، استفاده کند اما اگر زن عیوب دیگری داشته باشد مرد حق فسخ ندارد.

فتواها: عیب‌های مختص زن هفت مورد است که اگر قبل از عقد و قبل از آمیزش باشند و مرد از وجود آن‌ها اطلاع نداشته باشد حق فسخ عقد نکاح برای مرد فراهم می‌شود. این عیوب عبارتند از: جنون، جذام، برص، قرن، افشاء، کوری (عمی) و شلی (عرج) (نجفی، 1404، ج 30/ ص 331) اگر زن این عیوب را قبل از عقد داشته باشد موجب فسخ نکاح است و هر دو قسم اجماع (منقول و محصل) برای آن وجود دارد ولی اگر عیب بعد از نکاح

پیش آید فسخ امکان پذیر نیست. اگر معلوم شود عیوب قبل از عقد در زن وجود داشته و مرد از وجود آن‌ها اطلاع نداشته باشد بنا بر اجماع همه فقها مرد خیار فسخ عقد نکاح را دارد. (همان، ص 341)

عَقْل یا قَرْن (قَرْن = قَرْن هر دو درست است) گوشت زائد درون شرمگاه زن است که مانع آمیزش می‌شود و به آن عَقْل نیز گفته می‌شود. (همان، ص 332؛ موسسه دایرة المعارف فقه اسلامی، 1387 ش، ج 5/ ص 406) و افضاء به یکی شدن مجرای بول و حیض گفته می‌شود. (شهید ثانی، 1413 ق، ج 8/ ص 116) صاحب جواهر در عیب بودن آن ادعای هر دو نوع اجماع منقول و محصل را کرده است. (نجفی، 1404 ق، ج 30/ ص 335) اقعدا نیز به معنای زمین گیر شدن است. (موسسه دایرة المعارف فقه اسلامی، 1387 ش، ج 1/ ص 656) البته فقها در عیب محسوب شدن «عرج» اختلاف دارند. (شهید ثانی، 1413 ق، ج 8/ ص 116) برخی مثل محقق حلی «عرج» را در صورتی که به «اقعدا» برسد از عیوب فسخ محسوب کرده‌اند. (محقق حلی، 1408 ق، ج 2/ ص 264)

دوم: اگر مرد دارای عیوب عنن، اختگی و جنون باشد زن می‌تواند از مرد جدا شود.

فتاوا: جنون، خصاء و عنن عیوبی است که موجب می‌شود زن خیار فسخ داشته باشد. (شهید ثانی، 1413 ق، ج 8/ ص 101) طوسی علاوه بر جنون و عنن، «جب» را نیز از عیوب مرد دانسته است. (طوسی، 1407 ق، ج 4/ ص 346)

عنن آن یک نوع بیماری است که آلت مرد نعوض نمی‌کند و مرد نمی‌تواند با زن آمیزش داشته باشد. این بیماری ممکن است بر اثر سحر بوجود آید؛ در بعضی روایات که عبارت «اخذه الزوج» آمده، منظور «سحر شدن شوهر» است. (نجفی، 1404 ق، ج 30/ ص 324) در این صورت زن زمانی دارای حق فسخ خواهد بود که مرد به اندازه حشفه نتواند دخول کند. (طوسی، 1378 ق، ج 4/ ص 264) صاحب جواهر نیز بر این اعتقاد است که عنین اگر یکبار با زن خودش یا زن دیگری توانست آمیزش کند بنا به اظهار زن خیار فسخ ندارد و این قول اشهر است. (نجفی، 1404 ق، ج 30/ ص 326) عنین حتی اگر نتواند از جلو با زنش نزدیکی کند اما بتواند از پشت آمیزش کند، زن خیار ندارد و مرد عنن محسوب نمی‌شود. البته اگر آمیزش از پشت را جایز ندانیم، زن حق فسخ دارد. (همان، ص 327) در فسخ برای عیب عنن هر دو نوع اجماع منقول و محصل وجود دارد. (همان، ص 324)

برخی فقها ناتوانی‌های جنسی دیگر که شبیه به عنن هستند را جزء عیوب مرد محسوب کرده‌اند که خصاء، جب (وجاء) از آن جمله است. بین فقها مشهور است که «خصاء» و «وجاء» از عیوبی است که اگر زن نداند، مرد آن عیب را دارد می‌تواند عقد را فسخ کند. (همان، ص 322 و 323)

«خصاء» به معنی کشیدن یا کوبیدن یا از بین بردن بیضه‌های مرد است. (همان، ص 322؛ سبزواری، 1413 ق، ج 25/ ص 115) شیخ طوسی معتقد است در صورتی که خَصَی قادر بر آمیزش باشد، خصاء عیب محسوب نمی‌شود. زیرا در خصاء فقط انزال صورت نمی‌گیرد و عدم انزال عیب بشمار نمی‌رود. (طوسی، 1378 ق، ج 4/ ص 250) اما شهید ثانی با این نظر مخالف است و آن را مخالف روایات معتبری می‌داند که خصاء را عیب شمرده‌اند همچنین معتقد است که تناسل از مهمترین اهداف ازدواج است که خَصَی قادر به آن نیست. (عاملی، شهید ثانی، 1413 ق، ج 8/ ص 104) صاحب جواهر معتقد است خصاء و امثال آن در صورتی از موجبات فسخ است که پیش از عقد نکاح باشد و اگر مقارن آن، چه یا بعد از آن و مخصوصاً بعد از آمیزش ایجاد شود خیار فسخ ساقط است زیرا اصل لزوم عقد است. (نجفی، 1404 ق، ج 30/ ص 324)

«جب» عیب دیگری است که فقها به عیب بودن آن اجماع دارند. (طوسی، 1387 ق، ج 4، ص 264) «جب» موجب خیار فسخ عقد نکاح برای زن می‌شود؛ مشروط بر این که وطی، ولو به اندازه حشفه ممکن نباشد. و به معنای قطع آلت مرد است به شرط آن که به اندازه حشفه هم باقی نمانده باشد و قادر به دخول نباشد. (سبزواری، 1413 ق، ج 25/ ص 115) همه فقها گفته‌اند که اگر شوهر به مقدار حشفه، آلت داشته باشد زن خیار فسخ عقد را ندارد زیرا همه احکام آمیزش بر آن جاری است و شامل ادله خیار نمی‌شود. (طوسی، 1378 ق، ج 4/ ص 250؛ شهید ثانی، 1413 ق، ج 8/ ص 106؛ نجفی، 1404 ق، ج 30/ ص 328)

برخی از فقها بر این باور هستند که اگر آلت مرد بعد از آمیزش قطع شود زن حق فسخ ندارد زیرا اصل، لزوم عقد است و نیز چون مرد، قبلاً زن را تصرف کرده، به همین سبب زن خیار فسخ ندارد. (نجفی، 1404 ق، ج 30/ ص 329) اگر چه بین فقها مشهور است که «جب» از عیوب مرد است. ولی محقق حلی، صاحب شرایع، در این که «جب» موجب فسخ است تردید دارد زیرا روایتی در این مورد وجود ندارد. (شهید ثانی، 1413 ق، ج 8/ ص 106)

جنون نیز چه دائمی، چه ادواری، چه بعد از عقد یا قبل از آمیزش و چه بعد از عقد و بعد از آمیزش باشد زن حق فسخ دارد. و در این که جنون مرد، مجوز فسخ عقد برای زن است هیچ اختلافی نیست. (همان، ص 101)

سوم: عیوب مرد که با وجود عدم رضایت زن، حق فسخ از سوی زن وجود نخواهد داشت:

الف: مردی که به دلیل طلسم شدن از آمیزش با همسرش ناتوان شده اما قبل از ناتوانی، یک بار با او آمیزش داشته یا با همسران دیگرش قادر به آمیزش هست.

فتاوا: با وجود «عنن» چه قبل از عقد باشد چه بعد از آن، زن می‌تواند عقد نکاح را فسخ کند به شرط این که مرد حتی یک بار هم نتواند با همسرش یا زن دیگری آمیزش داشته باشد. (سبزواری، 1413 ق، ج 25/ ص 116) ولی اگر مردی بعد از عقد عنین شده باشد مشروط بر این که نتواند با زن خود یا زن دیگری آمیزش کند برای زن خیار فسخ وجود دارد اما اگر حتی یک بار با همسرش یا زن دیگری از جلو یا پشت بتواند آمیزش کند، زن خیار فسخ ندارد. (شهید ثانی، 1413 ق، ج 8/ ص 104)

صاحب جواهر بر این باور است که اگر مرد یکبار آمیزش کرد و بعد دچار «جب» شد مصیبتی است که زن به آن گرفتار شده و باید بر آن صبر کند. پس «جب» نیز مانند «عنن» است یعنی اگر قبل از عقد یا قبل از نزدیکی بود زن خیار فسخ دارد و در غیر این صورت خیار فسخ ندارد. (نجفی، 1404 ق، ج 30/ ص 329)

ب: مردی که مجنون است اما قادر به تشخیص اوقات نماز است.

فتاوا: برای عیب جنون نیز، شیخ صدوق، شیخ مفید، شیخ طوسی، ابن زهره، ابن براج و ابن ادریس بر این باورند که زن هنگامی خیار فسخ عقد نکاح را دارد که دیوانگی مرد به حدی باشد که اوقات نماز را نشناسد ولی اگر اوقات نماز را شناخت زن چاره ای برای فسخ ندارد و باید صبر کند؛ در این فتوا بین فقها اجماع وجود دارد. (طوسی، 1378 ق، ج 4/ ص 250؛ طوسی، 1407 ق، ج 4/ ص 349؛ نجفی، 1404 ق، ج 30/ ص 320 و 321) محقق حلی معتقد است که بعید است، شناخت وقت نماز به عنوان معیار جنون، برای قبل از عقد و بعد از عقد، یکسان نباشد. ظاهر فتوای فقها این است که در احکام مربوط به جنون فرقی میان نکاح دائم و متعه نیست. (نجفی، 1404 ق، ج 30/ ص 321 و 322)

چهارم: بیماری‌های برص و جذام در مرد موجب حق فسخ نکاح برای زن نیست و زن مکلف به تمکین از همسرش است.

فتاوا: برخی فقها برص و جذام را مشترک برشمرده‌اند از جمله شهید ثانی که دلیل این اشتراک را مسری بودن دانسته است. اما فقهای دیگر این نظر را رد کرده‌اند از جمله سبزواری در مذهب الاحکام، این دیدگاه را قیاس دانسته و آن را باطل معرفی نموده است. (سبزواری، 1413 ق، ج 25/ ص 123)

برخی دیگر نیز این عیوب را مشترک نمی‌دانند و این نظر شهید ثانی را رد کرده‌اند. (طباطبایی، 1418 ق، ج 10/ ص 379؛ انصاری، 1415 ق/ ص 433 و 434)

طبق نظر مشهور فقها، جنون، جذام، برص و عیوبی که مانع کامیابی جنسی می‌شود مختص زن است و بخاطر وجود آن‌ها مرد می‌تواند عقد نکاح را فسخ کند؛ ولی عیوبی که مختص مرد است و زن بخاطر آن‌ها می‌تواند عقد نکاح را فسخ کند عیوب مربوط به ناتوانی جنسی مرد و جنونی است که به خاطر آن نتواند اوقات نماز را تشخیص دهد. (طوسی، 1407 ق، ج 4/ ص 346؛ شهید ثانی، 1413 ق، ج 8/ ص 101؛ نجفی، 1404 ق، ج 30/ ص 331) در غیر این صورت زن مکلف به ادامه زندگی با چنین همسری است مگر این که برای طلاق اقدام کند.

4- قانون و حق فسخ

قانون مدنی، برای فسخ عقد نکاح به این موارد اشاره نموده: «جنون هر یک از زوجین به شرط استقرار، اعم از این که مستمر یا ادواری باشد برای طرف مقابل موجب حق فسخ است». (ماده ۱۱۲۱ قانون مدنی) و «عیوب ذیل در مرد موجب حق فسخ برای زن خواهد بود: (۱) خصاء، (۲) عنن به شرط اینکه ولو یکبار عمل زناشویی را انجام نداده باشد، (۳) مقطوع بودن آلت تناسلی به اندازه‌ای که قادر به عمل زناشویی نباشد». (ماده ۱۱۲۲ قانون مدنی) و «عیوب ذیل در زن موجب حق فسخ برای مرد خواهد بود: (۱) قرن (۲) جذام (۳) برص (۴) افشاء (۵) زمین گیری (۶) نابینائی از هر دو چشم» (ماده ۱۱۲۳ قانون مدنی) البته «عیوب زن در صورتی موجب حق فسخ برای مرد است که عیب مزبور در حال عقد وجود داشته است». (ماده ۱۱۲۴ قانون مدنی) «جنون و عنن در مرد هرگاه بعد از عقد هم حادث شود موجب حق فسخ برای زن خواهد بود». (ماده ۱۱۲۵ قانون مدنی) اما در صورتی که «هر یک از زوجین که قبل از عقد، عالم به امراض مذکوره در طرف دیگر بوده، بعد از عقد حق فسخ نخواهد داشت». (ماده ۱۱۲۶ قانون مدنی)

در صورت وجود هر یک از این عیوب در یکی از زوجین، طرف مقابل می‌تواند با مراجعه به دادگاه، برای فسخ عقد نکاح اقدام نماید. با این حال هنوز بیماری‌های جسمی و روحی دیگری وجود دارد که سبب عسر و حرج و ظلم و ضرر به طرف مقابل می‌شود اما به عنوان عیوب فسخ نکاح مقبول نیفتاده‌اند. با این حال در قانون مدنی از توجه به حقوق طرف دیگر، غفلت نشده و موارد دیگری که منجر به ضرر یا عسر و حرج می‌شود، در نظر گرفته شده و با فراهم بودن امکان طلاق، زمینه برای رفع ضرر یا عسر و حرج فراهم شده است. برای نمونه می‌توان به این ماده قانون اشاره نمود:

«در صورتی که دوام زوجیت موجب عسر و حرج زوجه باشد، وی می‌تواند به حاکم شرع مراجعه و تقاضای طلاق کند. چنانچه عسر و حرج مذکور در محکمه ثابت شود، دادگاه می‌تواند زوج را اجبار به طلاق نماید و در صورتی که اجبار میسر نباشد زوجه به اذن حاکم شرع طلاق داده می‌شود. عسر و حرج موضوع این ماده عبارت است از به وجود آمدن وضعیتی که ادامه‌ی زندگی را برای زوجه با مشقت همراه ساخته و تحمل آن مشکل باشد و موارد ذیل در صورت احراز توسط دادگاه صالح از مصادیق عسر و حرج محسوب می‌گردد: ... ۲- اعتیاد زوج به یکی از انواع مواد مخدر و یا ابتلا وی به مشروبات الکلی که به اساس زندگی خانوادگی خلل وارد آورد و امتناع یا عدم امکان الزام وی به ترک آن در مدتی که به تشخیص پزشک برای ترک اعتیاد لازم بوده است. ... ۵- ابتلای زوج به بیماری‌های صعب‌العلاج روانی یا ساری یا هر عارضه‌ی صعب‌العلاج دیگری که زندگی مشترک را مختل نماید. موارد مندرج در این ماده مانع از آن نیست که دادگاه در سایر مواردی که عسر و حرج زن در دادگاه احراز شود، حکم طلاق صادر نماید. (ماده ۱۱۳۰ قانون مدنی)

با این وجود طلاق برای هر دو طرف می‌تواند روند طولانی را شامل شود و علاوه بر این موجب مشکلات خانوادگی، اجتماعی و مالی شود.

5- بررسی عقلی موارد فسخ عقد نکاح:

آیاتی در قرآن وجود دارد که نشان می‌دهد بدون استعانت از عقل، دستیابی به ایمان حقیقی امکان پذیر نمی‌باشد زیرا یکی از ابزارهای شناخت حسن و قبح و حق و باطل است که در سایه آن، دستیابی به ارزش‌های الهی میسر می‌گردد و نتیجه‌اش رسیدن به سرم‌نزل کمال و قرب الهی است. (75 بقره، 103 مائده، 151 انعام، 44 فرقان، 28 شعرا) بخصوص هنگامی که احکامی بطور صریح در نص قرآن مطرح نشده باشد.

پرهیز از عیبی که تأثیر مخربی بر زندگی می‌گذارد امری عقلانی است و اجبار شخص به پذیرش آن و تداوم چنین شرایطی، غیر عقلانی و ناعادلانه است. لذا سه موضوع جای بحث عقلی دارد.

5-1: تفاوت در عیوب مربوط به زن و مرد: بیماری‌های برص و جذام، برای زن حق فسخ ایجاد نمی‌کند. و این عملی تبعیض آمیز و غیر عقلانی است زیرا هیچ کس حق ندارد زندگی و سلامت دیگری را به اجبار، به خطر اندازد. بدین جهت حق جدایی در صورتی که مرد جذام یا برص داشته باشد امری عقلانی محسوب می‌شود.

مورد دیگری که بر اساس حدیث مضموری از زن سلب خیار فسخ شده، غسغ نکاح مردی است که با وجود جنون، اوقات نماز را می‌شناسد. در صورتی که شناخت زمان نماز، مربوط به رابطه فرد با خداست. ولی زمانی که قرار است برای زندگی مشترک، همسری را برگزید ملاک‌های دیگری برای زن مثل سیمای خوب، مهریه کم (صدوق، 1413 ق، ج 3/ص 385)، چهره گندمگون و چشمان درشت (همان، ص 387)، بکارت (همان، ص 386) و دینداری (همان، 393) و برای مرد دینداری، امانتداری (همان، ص 393)، توان تأمین نفقه (همان، 394) و اخلاق نیکو (همان، 409) مطرح گردیده. یعنی ملاک‌ها متفاوت می‌شود تا رنگ و بوی مطلوب بشری به زندگی مرد و زن بدهد.

گرچه در این روایات به دارا بودن عقل برای هم کفو بودن اشاره نشده، اما این امری طبیعی است و اخلاق نیکو، ایمان و تلاش برای تأمین نفقه را از یک انسان عاقل، می‌توان انتظار داشت؛ ولی از مجنون چنین انتظاراتی بسیار بعید است و زندگی با چنین مردی برای زن، شرایط طاقت فرسایی را به همراه خواهد داشت که پرهیز از آن عقلانی است.

5-2: بیماری‌های خطرناک جدید: این روایات، برای عیوب فسخ، تنها به موارد محدودی اشاره دارد. اما عیوب دیگری هم هستند که زندگی مشترک را با مصائب طاقت فرسایی روبرو می‌کنند و به حکم عقل باید از آن‌ها پرهیز نمود.

به عنوان نمونه بیماری «ALS» که موجب تخریب نورون‌های حرکتی شده و بیمار را دچار ضعف و آتروفی عضلانی فزاینده و کاهش وزن می‌کند. (رک: مقبولی و همکاران، 1390 ش) در این نوع بیماری نورون محرکه فوقانی و تحتانی از بین می‌رود و فلج حرکتی را موجب می‌شود برای این بیماری هنوز درمانی پیدا نشده است. (رک: فروغی پور و همکاران، 1384 ش) مشهورترین فردی که به آن مبتلا شده «استیون هاوکی‌نگ» فیزیکدان معروف است و بیماری‌های لاعلاج یا صعب‌العلاج جسمی و روحی دیگری همچون ام اس، ایدز، تالاسمی، زگیل تناسلی، برخی از انواع هپاتیت و دیگر بیماری‌های ویروسی که از طریق تماس جنسی منتقل می‌شوند، اعتیاد به مواد مخدر خطرناک همچون کراک و شیشه، انحرافات جنسی و دو

جنسه بودن اختلالات شدید روانی نمونه‌های جدیدی هستند که در زمان صدور روایات وجود نداشته یا ناشناخته بودند یا درباره آن‌ها از ائمه (ص) پرسشی نشده است.

با توجه به این دلایل، برخی معتقد به گسترش عیوب فسخ نکاح هستند اما دلایل عقلی و شرعی متعددی بر رد این نظر وجود دارد که در ادامه بحث به آن‌ها پرداخته می‌شود.

6: دلایل رد گسترش عیوب فسخ نکاح:

دلایل متعددی برای رد فسخ نکاح با عیوب جدید وجود دارد که برخی مربوط به شرعی بودن جدایی، برخی مربوط به حقوق مادی برخی مربوط به مشکلات اجتماعی و ... است.

6-1: دلایل شرعی برای رد عیوب جدید:

ذکر عیوب در روایات موجب حصول اطمینان از شرعی بودن موارد فسخ نکاح است در حالی که گسترش این عیوب به موارد غیر منصوص، می‌تواند منجر به جدایی باطل و پس از آن، ازدواج مجددی که باطل است، شود. نتایج جدایی باطل به دو صورت است:

1: اگر کوچک‌ترین شکی در شرعی بودن فسخ نکاح برای عیوب جدید باشد و نکاح زن بدین واسطه فسخ اعلام شود و زن مجدد ازدواج کند ازدواج مجدد او شبه ناک یا حتی باطل است.

2: اگر مرد چهار همسر داشته باشد و به واسطه عیبی، نکاح یکی از همسران او فسخ طلقی شود در حالی که شامل فسخ نباشد و مرد همسر جدیدی را به نکاح دائم خود درآورد ازدواج جدید او باطل است.

6-2: گسترش عیوب فسخ می‌تواند حقوق یکی از طرفین را تضییع کند؛ از جمله:

1: طلاق به درخواست مرد، طلاق رجعی است و مرد می‌تواند در صورت پشیمانی در زمان عده به همسر خود بازگردد در حالی که اگر عیب جدید شامل فسخ دانسته شود حق مرد برای رجوع نادیده گرفته می‌شود.

2: اگر طلاق به درخواست مرد باشد زن در زمان عده مستحق نفقه است در حالی که در صورت تحقق فسخ، در این ایام نفقه‌ای به زن تعلق نمی‌گیرد. حال اگر حکم حقیقی شرع فسخ نباشد زن از حق خود محروم مانده است.

3: اگر طلاق به درخواست مرد باشد و زن تقصیری در جدایی نداشته باشد و مرد با شرط تصنیف مال در عقدنامه موافقت کرده باشد تصنیف مال مرد صورت می‌گیرد. اما اگر فسخ جایگزین شود زن از این حق مالی محروم می‌شود.

4: اگر طلاق رجعی صورت گیرد و در زمان عده شوهر فوت کند زن مشمول ارث از همسرش می‌شود. اما با تحقق فسخ، این حق از زن سلب می‌شود.

5: «در فسخ نکاح، رعایت ترتیباتی که برای طلاق مقرر است، شرط نیست». (قانون مدنی، ماده 1132) حال اگر به جای طلاق فسخ اعلام شود این ترتیبات، اجرا نخواهد شد.

6: اگر قبل از نزدیکی طلاق رجعی صورت گیرد مهریه نصف می‌شود در حالی که در فسخ، پیش از نزدیکی مهریه تعلق نمی‌گیرد مگر مرد عینین باشد. (نجفی، 1404 ق، ج 30، ص 344؛ قانون مدنی، ماده 1101)

7: اگر عیبی جدای از عیوب منصوص فسخ نکاح در زن وجود داشته باشد که موجب ضرر و حرج مرد شود مرد با اتکا بر حقی که برای طلاق رجعی دارد می‌تواند بدون اتلاف وقت، همسرش را طلاق دهد در حالی که برای فسخ نکاح، نیاز به اثبات عیب است.

6-3: احتمال اختلاف بین فقها:

حتی در صورت پذیرش گسترش عیوب فسخ نکاح، احتمال عدم اجماع فقها بر مصادیق عیوب جدید وجود دارد و همین می‌تواند موجب اختلاف و بروز چالش‌هایی در فقه و قانون شود. از همین روی در این موارد فسخ نمی‌تواند چاره ساز باشد بلکه خود سبب ساز مشکلات جدیدی خواهد بود.

6-4: رد قاعده لا ضرر و عسر و حرج

تمسک به قاعده لا ضرر و حرج نیز به دو علت نمی‌تواند مجوزی برای وضع عیوب جدید فسخ نکاح قلمداد شود.

1: برخی عیوب خطرناک و مسری که شامل ضرر و حرج می‌شده در دوره صدور روایات وجود داشته اما در زمره عیوب فسخ نکاح مطرح نشده‌اند مثل وبا و طاعون و....

2: چه بسا یکی از عیوب فسخ، برای فردی ضرر و حرج محسوب نشود. مثلاً مردی برایش تفاوت نداشته باشد که همسرش به بیماری برص مبتلا باشد یا نباشد. با این حال حق فسخ برای مرد محفوظ است.

لذا می‌توان چنین برداشت نمود که الزاماً، بیماری‌های خطرناک یا آنچه موجب ضرر و حرج می‌باشد مدّ نظر نبوده است بلکه موارد خاصی در نظر بوده است.

6: لزوم توجه به عیوب جدید:

دلایلی که برای رد نقش عیوب جدید در فسخ نکاح، مطرح شد نشان می‌دهد که تعهد فقها نسبت به منابع فقهی مربوطه و عدم عدول از آن‌ها، امری عقلانی و شرعی است. اما نباید ضرر و حرجی که به واسطه برص و جذام و عیوب خطرناک جسمی روحی جدید به طرف دیگر وارد می‌شود مورد غفلت قرار گیرد.

بی‌توجهی نسبت به تأثیر این بیماری‌ها و اجبار هر یک از طرفین، به تداوم زندگی، موجب ضرر و عسر و حرج و حتی احتمال بروز خطر جانی برای طرف مقابل است. این در حالی است که زندگی و سلامت هر انسانی فارغ از جنسیت، ارزشمند است و نباید در معرض خطر قرار گیرد. تأثیر این مشکل برای زنان دو چندان است؛ زیرا برای آن‌ها امکان تعدد همسر وجود ندارد و چنانچه به دلیل انزجار یا دور ماندن از خطر بیماری، به گناه آلوده شوند نه تنها دچار خسران اخروی گردیده، بلکه سلامت اخلاقی جامعه را نیز به خطر می‌اندازند.

گرچه در این شرایط طلاق گزینه مناسبی است اما روند طولانی و سخت طلاق، می‌تواند مشکل ساز باشد. پس بهتر است این عیوب شامل طلاق آسان شوند. از سوی دیگر گسترش بی‌رویه عیوب جدیدی که شامل طلاق آسان شوند می‌توانند موجب افزایش دعاوی خانوادگی و پرونده‌های قضایی و در نتیجه نابسامانی در اوضاع قضایی کشور شود. لذا بهتر است با در نظر گرفتن اصولی، توافقی بین دانشمندان حوزه سلامت انسان اعم از علوم پزشکی و روان‌شناسی برای تشخیص بیماری‌های جسمی و روحی که موجب ضرر و عسر و حرج همسر و نیز از بین رفتن اهداف ازدواج می‌شود، با فقها و قانون‌گذاران صورت گیرد تا مصادیق دقیق عیوب جدید تعیین شده و بتوان منصفانه‌تر مشکلات و شرایط بحرانی پیش آمده بین زوجین را مدیریت کرد.

اکنون روند طلاق در ایران بطور اختصار ذکر می‌شود تا دلایل طولانی شدن زمان آن و اهمیت طلاق آسان بهتر مشخص شود.

طلاق در ایران به سه شیوه امکان پذیر است. اول: طلاق در صورتی که مرد خواستار باشد. دوم طلاقی که زن تقاضا کند. سوم: طلاقی که با توافق طرفین صورت گیرد. مرد برای طلاق زن نیازمند دلیل نیست و تنها کافی است حقوق مالی زن را ادا کرده و مراحل قضایی را طی کند. (رک قانون مدنی، ماده 1133)

مراحل طلاق از سوی مرد عبارتند از: 1- تنظیم دادخواست 2- تعیین وقت رسیدگی به دادخواست توسط دادگاه 3- ارجاع زوجین به مشاور و داور توسط دادگاه 4- تعیین تکلیف حقوق مالی زوجه، 5- ارائه گواهی عدم امکان سازش توسط دادگاه 6- مراجعه به دفتر طلاق و ثبت طلاق (سایت گروه وکلای پارسی، مراحل درخواست طلاق از سوی مرد، 7 فروردین 1403)

اگر زن بخواهد برای طلاق اقدام کند و شوهر راضی به طلاق نباشد باید دلیل موجه و قابل اثباتی داشته باشد که ضرر یا عسر و حرج را ثابت کند و دادگاه نیز آن را بپذیرد. (رک قانون مدنی، ماده 1130) لذا زن برای طلاق راهی دشوار را در پیش دارد.

مراحل طلاق بنا به درخواست زن به قرار ذیل است: 1- تنظیم دادخواست برای طلاق 2- اثبات تناسب شرایط زن با شرایط قانونی برای طلاق 3- ثبت دادخواست طلاق 4- تعیین وقت رسیدگی به موضوع توسط دادگاه 4- ارجاع زوجین به مشاور و داور توسط دادگاه 5- تعیین تکلیف حقوق

مالی زوجه 6- ارائه گواهی عدم امکان سازش توسط دادگاه 7- مراجعه به دفتر طلاق و ثبت طلاق (سایت گروه وکلای پارسی، مراحل طلاق از طرف زن، 14 فروردین 1404)

اگر دادگاه با تقاضای طلاق زن موافقت کند طلاق خلع صورت می‌گیرد لذا باید مقداری از مهریه را معادل مهریه یا کمتر یا بیشتر است را به همسرش بذل کند. (قانون مدنی، ۱۴۶) این میزان باید مورد قبول دادگاه و شوهر باشد. این فرایند موجب طولانی شدن پروسه طلاق است. طلاق اگر از طرف زن درخواست شود باشد و شروط لازم را داشته باشد 3 ماه الی 1 سال زمان می‌برد. (سایت مشاوره حقوقی دینا، مدت زمان طلاق از طرف زن، بی تا) و اگر توافقی باشد بعد از توافقات کامل بین 10 تا 40 روز کاری طول می‌کشد. (سایت گروه حقوقی دادارمنش، طلاق توافقی چقدر طول می‌کشد؟، بی تا)

با توجه به روند طولانی قانون طلاق برای کوتاه‌تر شدن زمان سریع و سخت‌تر شدن موارد ذیل پیشنهاد می‌شود:

- 1: تعیین دقیق مصادیق عیوب جدیدی که مسری و خطرناک و لاعلاج یا صعب‌العلاج هستند و موجب ضرر و حرج طرف مقابل می‌شوند.
- 2: پس از ثبت دادخواست در دفتر خدمات قضایی، نوبتی که دادگاه برای رسیدگی اولیه مشخص می‌کند برای این عیوب سریع‌تر باشد.
- 3: جلسات مشاوره و داوری که برای ایجاد تفاهم و تداوم زندگی مشترک به دستور دادگاه تشکیل می‌شود حذف و یا به حداقل برسد.
- 4: پزشکی قانونی یا پزشک معتمد در کوتاه‌ترین زمان و با اولویت رسیدگی کرده و نظر دهد.
- 5: تسریع در روند توافقات مالی مربوط به حقوق طرفین از جمله بذل مهریه در صورتی که زن درخواست داده باشد و پرداخت مهریه، نفقه، تنصیف مال و اجرت‌المثل در صورتی که مرد دادخواست داده باشد.

نتیجه‌گیری:

با توجه به آنچه مطرح شد، موارد ذیل به مثابه رهاورد این مقاله ارائه می‌گردد:

عیوبی در عصر حاضر وجود دارد که در عصر صدور روایات وجود نداشته‌اند یا ناشناخته‌بوده‌اند یا مورد سوال نبوده‌اند. این عیوب، مسری خطرناک، لاعلاج و یا صعب‌العلاج هستند و به واقع انسان را دچار ضرر و عسر و حرج می‌کنند اما تمسک به فسخ به عنوان راه حل می‌تواند مشکلات شرعی، حقوق مالی و اجتماعی متعددی از جمله طلاق باطل، ازدواج باطل، تضییع حق رجوع مرد، حق ارث در صورت فوت مرد و حق نفقه در ایام عده طلاق، تنصیف اموال، مهریه برای زن موجب شود. طرفداران گسترش عیوب فسخ نکاح دلیل متقنی برای این ادعا ندارند از سوی دیگر برای جدایی، فسخ تنها راه حل نیست در این شرایط طلاق منطبق بر موازین شرعی و متقن است. اما با توجه به فرایند طولانی و سخت طلاق، مصلحت بر این است که با اهتمام و همفکری فقها و دانشمندان حوزه سلامت انسان و قانون‌گذاران، مصادیق دقیق عیوب جدید مشخص شوند همچنین پیشنهادهایی که در این پژوهش برای آسان‌تر شدن پروسه طلاق در صورت وجود عیوب جدید ارائه گردید می‌تواند از مشکلات ناشی از این گونه عیوب بکاهد.

منابع:

- قرآن مجید با ترجمه فولادوند
- ابن اثیر الجزری، علی بن محمد، (۱۴۰۹ ق / 1998 م)، *اسد الغابه فی معرفه الصحابه*، دارالفکر، بیروت
- ابن ماجه ابوعبدالله، (1430 ق / 2009 م)، *سنن ابن ماجه*، المحقق: شعيب الأرناؤوط و عادل مرشد و محمد کامل و عبد اللطيف حرز الله، بی جا، دار الرسالۃ العالمیة، الطبعة الاولى
- ابن سعد، ابوعبدالله محمد، (1410 ق / 1990 م)، *طبقات الکبری*، تحقیق: محمد عبدالقادر عطا، بیروت، دار الکتب العلمیه، الطبعة الاولى

- انصاری، مرتضی بن محمد امین، (1415 ق)، *کتاب النکاح*، چاپ اول، محقق/ مصحح: گروه پژوهش در کنگره، قم: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری، چاپ اول
- بلاذری، احمد بن یحیی، (1417 ق / 1996 م)، *جمل من انساب الاشراف*، تحقیق: سهیل زکار و ریاض الزرکلی، بیروت، دارالفکر، الطبعة الاولى
- حاکم نیشابوری، ابوعبدالله، (1411 ق / 1990 م)، *المستدرک علی الصحیحین*، تحقیق: مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت، دارالکتب العلمیه، الطبعة الاولى
- زبیدی، محمد مرتضی حسینی واسطی، (۱۴۱۴ ق)، *تاج العروس من جواهر القاموس*، تحقیق: علی شیری بیروت: دارالفکر
- سبزواری، سید عبد الأعلى، (1413 ق)، *مهذب الأحكام فی بیان الحلال و الحرام*، محقق/ مصحح: مؤسسه المنار، قم: مؤسسه المنار- دفتر حضرت آیه الله، چاپ چهارم
- صدوق (ابن بابویه)، محمد بن علی، (1413 ق)، *من لا یحضره الفقیه*، محقق / مصحح: علی اکبر غفاری. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ دوم
- طباطبایی الکرلایی، السید علی، (1418 ق)، *ریاض المسائل فی تحقیق الاحکام بالدلائل*، قم، مؤسسه النشر الاسلامی التابعة لجماعة المدرسین، چاپ اول
- طبری، محمد بن جریر، (1369 ش)، *تاریخ طبری*، مترجم: ابوالقاسم پاینده، تهران، انتشارات اساطیر، چاپ سوم
- طوسی، محمد بن حسن، (1387 ق)، *المبسوط فی فقه الإمامیه*، تهران: مرتضوی، چاپ سوم
- طوسی، ابو جعفر، محمد بن حسن، (1407 ق)، *الخلاف*، محقق/ مصحح: علی خراسانی- سید جواد شهرستانی- مهدی طه نجف- مجتبی عراق، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ اول
- عاملی، شهید ثانی، زین الدین بن علی، (1413 ق)، *مسالك الأفهام إلى تنقیح شرائع الإسلام*، محقق/ مصحح: گروه پژوهش مؤسسه معارف اسلامی، قم: مؤسسه المعارف الإسلامیه، چاپ اول
- فروغی پور، محسن و همکاران (1384 ش)، *ویژگی های بالینی بیماری اسکیزور جانبی آمیوتروفیک در بیماران مراجعه کننده به بخش اعصاب بیمارستان قائم (عج)*، مشهد، فصلنامه علوم پزشکی دانشکده پزشکی، دوره 48، شماره 89، 297 - 302
- *قانون مدنی*، (1398 ش)، تهران، ریاست جمهوری، چاپ ششم
- قلی زاده، احمد، (1379 ش)، *واژه شناسی اصطلاحات اصول فقه*، تهران، بنیاد پژوهشهای علمی فرهنگی نور الاصفیا، چاپ اول
- گروه حقوقی دادارمنش، <https://dadarmanesh.com>، *طلاق توافقی چقدر طول می کشد؟*، بی تا
- گروه وکلای پارسی، <https://parsaylawyers>، *مراحل درخواست طلاق از طرف مرد*، 14 فروردین 1404؛ مراحل طلاق از طرف زن 7 فروردین 1403
- مجلسی، محمد باقر، (1403 ق)، *بحار الانوار*، مصحح: جمعی از محققان، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی چا
- محقق حلی، جعفر بن حسن، (1408 ق)، *شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام*، محقق/ مصحح: عبد الحسین محمد علی بقال، قم، مؤسسه اسماعیلیان، چاپ دوم
- مدرسان دانشگاه قرآن و حدیث. (1396 ش). *دانش حدیث*. چاپ پنجم. قم: انتشارات جمال
- مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی، (1389 ش)، *فرهنگ نامه اصول فقه*، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، معاونت پژوهشی دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، چاپ اول (سایت کتابخانه مدرسه فقاها)
- مشاوره حقوقی دینا، <https://www.heyvalaw.com>، *مدت زمان طلاق از طرف زن*، بی تا

- مقبولی، مهدی و همکاران (1390 ش)، *آمیوتروفیک لترال اسکروز با نقاب مالتیپل اسکروز واسکولوپاتی MRI مغز*، تهران، ماهنامه علمی پژوهشی علوم پزشکی رازی، دوره 23، شماره 149، ص 82 - 88
- موسسه دایرة المعارف الفقه الاسلامی زیر نظر آیت الله سید محمود هاشمی شاهرودی، (1387 ش)، *فرهنگ فقه فارسی*، قم، موسسه دایرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت (ع)
- نجفی، صاحب الجواهر، محمد حسن، (1404 ق)، *جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام*، محقق/ مصحح: عباس قوچانی - علی آخوندی، بیروت: دار إحياء التراث العربی، چاپ هفتم
- یعقوبی، احمد بن اسحاق، (1382 ش)، *تاریخ یعقوبی*، مترجم: محمد ابراهیم آیتی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ نهم